

امام صادق (ع) در تفسیر کشف الاسرار

عزت الله مولایی نیا*

سعیده ولینواز جهزدانی**

شهیده نوربها***

چکیده

قرآن پژوهان عامه با وجود رویکرد عامی، گاهی به آراء تفسیری ائمه اهل بیت (ع) نیز استدلال کرده و با نگاه مثبت آنها را ارزیابی نموده اند و امام صادق (ع) و آراء تفسیری وی به دلائل مختلف - از جمله فزونی گزارش های حدیثی از آن جناب توسط راویان فریقین - از رونق ویژه ای برخوردار است. از جمله تفاسیر، تفسیر کشف الاسرار و عدة الأبرار میبیدی معروف به تفسیر خواجه عبدالله أنصاری نگارش قرن ششم است که در بیش از چهل و چهار مورد از آراء تفسیری امام صادق (ع) بهره گرفته و در بیشتر موارد آن را فصل الخطاب تفسیری آیه قرار داده است.

*دکتر- استاد یار و عضو هیأت علمی دانشگاه قم.

**کارشناس زبان و ادبیات عربی.

***دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه قم.

مقاله حاضر، نگرش و رویکرد میبیدی در پذیرش و تحلیل این روایات در تفسیر میبیدی را به روش توصیفی - کتابخانه‌ای - مورد نقد و بررسی قرار داده و برای فرونی اطمینان احادیث مذکور را در دیگر نگارش‌های حدیثی، تفسیری، تاریخی فریقین به ویژه شیعه بررسی کرده و به نتایج ارجمندی دست یافته است.

کلیدواژه‌ها: تفاسیر اهل سنت، تفسیر کشف الأسرار و عدة الأبرار، میبیدی، امام جعفر صادق (ع).

مقدمه

تفسیر کشف الأسرار و عدة الأبرار تألیف ابوالفضل رشید الدین میبیدی است که نوشتن آن را در اوایل سال ۵۲۰ هجری آغاز کرده است. میبیدی بر اساس تفسیر الهروی خواجه عبد الله انصاری - که متأسفانه اکنون متن کامل آن در دسترس نیست و احتمال دارد که در اثر حوادث روزگار از میان رفته باشد - تفسیر خویش را در ده جلد به رشته تحریر در آورده است و منبعی غنی از تفسیر، تاویل، معارف اسلامی، شعر و ادب عربی و فارسی از خود به جا گذاشته است. وی در تفسیر و ترجمه آیات با روش منحصر به خود، هر آیه را در سه نوبت و سه مرحله ترجمه و تفسیر می‌کند و در نوبت سوم نگاهی عارفانه به آیات دارد که مهارت خود را در تفسیر، حدیث، فقه، عرفان و ادبیات فارسی و عربی به نمایش می‌گذارد. میبیدی با تألیف کشف الأسرار خدمتی شایان، به زبان و ادب و شعر فارسی کرده است و این کتاب گنجینه گران‌بهایی از لغات، امثال، تشبیهات و تعبیرات فارسی است، در عین این که واجد مزایای تفاسیر دیگر نیز هست. زیرا همان بحث‌هایی که در تفاسیر عربی درباره قرائت، شأن نزول، لغت، صرف، نحو و بیان به زبان عربی شده در این تفسیر به زبان شیرین و روان فارسی ادا شده و حتی اخبار و احادیث و اشعار هم در بیشتر موارد به زبان فارسی ترجمه گردیده است و در نوبت اول کاملاً دقت و توجه شده که کلمه فارسی که در ترجمه کلمه عربی قرار می‌گیرد برابر با آن بوده باشد که رعایت امانت در سخن خدا بشود، و در بعضی موارد کلام از سیاق فارسی دور می‌شود تا این منظور عملی گردد.

میبیدی حدود چهار هزار حدیث در تفسیر خویش ذکر می‌کند که با استفاده به جا از

آنها در ذیل آیات، می‌توان نتیجه گرفت که وی تسلط بسیار بالایی بر احادیث و کتب حدیث داشته و احادیث فراوانی را حفظ بوده است. گفتنی است یکی از فایده‌های مهم این کتاب سخنانی است که اگر این کتاب نبود آن سخنان نیز از میان رفته بود. این تفسیر تنها مدرک همین سخنان است در عین حال خالی از اشکال نیست و به این دلیل است که این کتاب نگرشی نقدگونه و منصفانه را می‌طلبد تا با کاوشی دقیق و کندوکاوی عمیق و نگاهی ژرف نقاط مثبت و منفی آن را بشناسد و سره را از ناسره جدا سازد به ویژه در مورد احادیثی که اسرائیلیات در آن موج می‌زند و بدیهی است که اکثر این نوع احادیث جعلی و ساختگی است.

میبدی از مفسران اهل سنت است، در عین حال برخی از فضائل اهل بیت (ع) و روایت‌های ایشان را با احترام و تجلیل کامل گزارش می‌نماید. وی از محبان امام علی (ع) و اهل بیت (ع) است به طوری که در تفسیرش می‌گوید: «فما من مؤمن الا و هو یحب علیاً». ^۱ با این وجود علی بن ابیطالب (ع) را در رتبه چهارم قرار می‌دهد و برخی موارد شیعه و آراء آنها را مورد بی‌مهری قرار داده و آنها را رافضی می‌خواند و تنها اهل سنت را فرقه ناجیه می‌داند. در ذیل آیه کریمه: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۳/۱۰۳) روایاتی را ذکر می‌کند مبنی بر این که امت اسلام هفتاد و سه فرقه می‌شوند و همه آنها در آتش هستند، جز یک فرقه از آنان، و بعد چنین می‌گوید: «بزرگان دین و ائمه سلف، در تفسیر هفتاد و سه گروه آن را به چهار اصل از اصول بدعت باز گردانیده‌اند و هر یکی به هجده تقسیم کرده، فرقه ناجیه را از آن بیرون کرده‌اند، فقالوا: اصول البدع الخوارج^۲ والروافض والقدریه والمرجئه^۳ کل افرقت علی ثمانیة عشر فرقة فذلک اثنتان وسبعون فرقة واهل الجماعة الفرقة الناجية». ^۴

بنابراین ما در این مقاله درصددیم با استفاده از روش توصیفی کتابخانه‌ای، دیدگاه و رویکردهای میبدی را در برابر سخنان امام صادق (ع) رئیس و طلیعه‌دار مذهب جعفری که شاگردان بسیاری تربیت نموده‌اند و عقائد شیعه را روشن و زنده نمودند بررسی کنیم تا راهی باشد برای درک بهتر موضع‌گیری اهل سنت در مقابل احادیث ائمه (ع).

امام جعفر صادق (ع) در «کشف الأسرار و عدة الأبرار»

میبدی در کتاب خویش، چهل و چهار مرتبه از نام امام جعفر صادق (ع) با نام های جعفر بن محمد، جعفر صادق، جعفر بن محمد الصادق، امام جعفر و جعفر نام برده است و در ذکر نام امام کمال احترام را رعایت کرده است، در اکثر موارد علیه السلام ادامه اسم امام می آورد، در چند موردی که اسم جعفر را بدون لفظ امام و علیه السلام آورده است با مراجعه به دیگر کتب تفسیری، دریافتیم منظور همان امام جعفر صادق (ع) بوده، زیرا همان حدیث از قول امام در تفاسیر دیگر آمده است، به جز مواردی بسیار نادر که در ادامه در متن مقاله به توضیح آن می پردازیم.

میبدی در تفسیر خویش درباره سخنانی که آورده است - چه از امام صادق (ع) و چه از دیگران - اظهار نظر نمی کند؛ بلکه وی تنها به نقل قول بسنده می کند؛ او در بیان احادیث امام جعفر صادق (ع) نیز همین شیوه را در پیش می گیرد؛ هرچند او از اهل سنت می باشد لیکن آنجا که سخن حضرت با دیگران همسو نمی باشد یا سخن نمی گوید و از خویش نظر نمی دهد یا حتی سخن حضرت را فصل ختام قرار می دهد که این روش، دیدگاه مثبت میبدی به آراء ائمه اهل بیت (ع) را نشان می دهد که در این مقاله اختصاصاً به بررسی احادیث امام جعفر صادق (ع) در تفسیر او پرداخته شده است.

نقد و بررسی احادیث نقل شده از امام جعفر صادق (ع) در تفسیر میبدی

میبدی در نوبت اول تفسیر خویش: معنای تحت اللفظی آیه - و در عین حال سلیس و روان آن را - آورده است که در این قسمت برای معادل یابی کلمات عربی، واژه ها و ترکیبات بسیار جالب فارسی را آورده است. نخستین و مهم ترین نکته ای که در ترجمه قرآن کشف الأسرار در نوبت اول به چشم می خورد معادل های فارسی است که میبدی در برگرداندن برخی لغت های قرآن آورده، بسا که بعضی از آنها نو ساخته خود او و نموداری از شیوه واژه سازی پیشینیان است. همچنین دقت و توجه مفسر به ریزه کاری ها و ظرائف موجود در آیات قرآن تا آن جاست که سعی می کند نکات ظریف و دقیق سخن خدا را در ترجمه نیز منعکس نماید.

میبدی در این نوبت از هیچ حدیث، سخن و تفسیری استفاده نکرده و تنها به دانش خویش در ترجمه قرآن به فارسی تکیه نموده است.

اما در نوبت دوم ۲۸ حدیث از امام صادق (ع) و در نوبت سوم ۱۶ حدیث از ایشان آورده است که در ادامه به بررسی یکایک آنها می پردازیم.

أحادیث امام جعفر صادق (ع) در نوبت دوم: میبدی در نوبت دوم: شأن نزول آیه و ناسخ و منسوخ بودن آن و تفسیر آن از نظر شرعی و اقوال مفسران را آورده، که در حقیقت بخش اعظم کتاب صرف این قسمت شده است. همچنین در این نوبت احادیث نبوی و اقوال صحابه^۵ و بزرگان دین می آید و کتاب را از معارف اسلامی سرشار می کند، البته احادیث معجول و سخنان بی هویت نیز در این میان بسیار است اما غلبه با احادیث صحیح و سخنان با مأخذ است.

میبدی در نگارش تفسیر خویش از همان صفحات نخستین به نقل احادیث امام صادق (ع) می پردازد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (الحمد، ۱۱/۱). میبدی در تفسیر «بسم الله» سه حدیث از امام صادق (ع) نقل می کند: «الرحمن» اسم خاص با صفت عام است و «الرحیم» اسم عام با صفت خاص است. (نوبت دوم: جعفر بن محمد (ع)، ۸/۱)؛ «بسم الله» در قرآن مانند کلید است، به هیچ خانه ای بدون کلید نمی توان وارد شد. (نوبت دوم: جعفر بن محمد، ۴/۲)؛ «اسم از سمة است و سمة یعنی: نشان، هرگاه بنده «بسم الله» گوید؛ یعنی: نشان بندگی حق را به دوش می کشد تا از بندگان او باشد» (نوبت سوم، جعفر صادق، ۲۵۲/۹). میبدی در تفسیر «بسم الله» احادیث بسیاری روایت کرده است که بین آنها این سه حدیث از امام صادق (ع) آورده است.

«أُولَئِكَ يَرْوُونَ أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ» (العنكبوت، ۶۷/۲۹).

در تعیین حد حرم، میبدی، تنها دو قول آورده است و بدون اظهار نظر خود، بحث را با سخن امام جعفر (ع) به پایان رسانده است. (نوبت دوم: امام جعفر (ع)، ۶۸۰/۱).

«وَأَلْمَسْتُ غُفْرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (ال عمران، ۱۷/۳). «کسی که در شب نماز بخواند سپس هفتاد مرتبه استغفار کند نام او در شمار استغفارکنندگان در شب نوشته می شود». میبدی در

تفسیر این قسمت آیه کلامش را با حدیث امام صادق (ع) به پایان برده است. (نوبت دوم: جعفر بن محمد (ع)، ۴۸/۲).

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (آل عمران، ۱۸/۳). «اول وصف و توحید است و آخر رسم و تعلیم» تنها به ذکر حدیث امام (ع) بسنده نموده است.

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۳۳). از امام صادق (ع) پرسیدند: در مورد کسانی که می گویند همه مسلمانان در دین آل محمد هستند چه می فرمایید؟ حضرت پاسخ دادند: «کذبوا و صدقوا». پرسیدند معنای این سخن چیست؟ فرمودند: «دروغ گفته اند در این که می گویند که مردم با این همه کوتاهی و تقصیر در دین آل محمد (ص) هستند و راست است اگر شرایط شریعت او را بجای آوردند و از راه اوتبعیت کنند». (نوبت دوم: جعفر بن محمد (ع): ۸۹/۲).

میبدی حدیث بالا را در تفسیر آیه ۳۳ آل عمران آورده است که این حدیث از حضرت در تفاسیر دیگر نیز با همین مضمون نقل شده است.

«فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ» (آل عمران، ۱۹۵/۳) در تفسیر این آیه میبدی حدیثی از امام صادق (ع) به این مضمون نقل می کند: «کسی که از امری محزون گردد پنج مرتبه بگوید: «رَبَّنَا» خداوند او را از آنچه می ترسد نجات می دهد و آنچه را می خواهد به او می دهد». پس از حدیث امام صادق (ع) حدیثی از عثمان بن عفان می آورد، سپس به رویکرد اثباتی با محور قرار دادن حدیث امام (ع) به تفسیر آیه می پردازد. (نوبت دوم: جعفر الصادق (ع): ۳۸۹/۲). در کتب دیگر از جمله جوامع الجامع و زبدة التفاسیر^۷ نیز این حدیث آورده شده است.

«وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ» (المائدة، ۲۷/۵) میبدی در داستان کشته شدن هابیل به دست قابیل، مسأله ازدواج پسران حضرت آدم با خواهرهایشان را بیان می کند و در این باره میبدی می گوید: هیچیک از علما در ازدواج دختران و پسران آدم با یکدیگر اختلاف ندارند جز جعفر صادق (ع) که می گوید: «این عقیده نادرست است که آدم دختر خود را به پسر خود داده باشد، زیرا اگر این امر جایز بود حضرت محمد (ص) نیز چنین می کردند زیرا دین هر دو یکسان است» (نوبت دوم: جعفر صادق (ع): ۹۴/۳). و خداوند ده هزار سال قبل

از خلقت آدم (ع) به قلم قدرت، حوادث و اموری که تا روز قیامت باید در عالم جاری شود در لوح محفوظ نوشته و چیزهایی که حلال یا حرام بوده‌اند معین فرموده و از جمله محرمات، تزویج برادر و خواهر و فرزند و مادر و سایر محرمات نسبی است که حرام بوده و تا به قیامت حرام خواهد بود.^۸

حضرت صادق (ع) می‌فرمایند: «خداوند حورائی به صورت انسان از بهشت به زمین فرستاد و وحی آمد که این حور را به همسری‌هاییل برگزین و همچنین دختری از فرزندان جن به صورت انسان درآورد و فرمان داد همسر قابیل گردد. در این بین قابیل از فرمان الهی سرباز زد و حور را حق خود دانست زیرا او برادر بزرگتر بود». این سبب رخ دادن قرار قربانی کردن و قتل و... می‌باشد که حضرت در ادامه این مسائل را بیان می‌دارند.^۹

چنانچه مشاهده نمودیم میدی ابتدا با بیان نظر عامه و اهل سنت در مورد ازدواج فرزندان آدم و دلیل قابیل برای کشتن برادر خویش، به بیان حدیث امام صادق (ع) می‌پردازد. گرچه رأی امام (ع) مخالف رأی عامه است، اما میدی هیچ یک را رد یا اثبات نمی‌کند، گویی قضاوت را بر دوش خواننده قرار داده است، البته سخن خود را با حدیث امام صادق (ع) پایان برده است، این مؤید پذیرش نظریه امام (ع) است.

شایان ذکر است با بررسی‌هایی که محقق در احادیث امام صادق (ع) در دیگر کتب تفسیر صورت گرفته منشأ حسادت قابیل نسبت به هاییل را امر وصایت و سپردن اسم اعظم به هاییل نیز گزارش شده است.^{۱۰}

«وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزَلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (الحجر، ۲۱/۱۵). در تفسیر آیه ابتدا سخن مفسرین را آورده است، سپس حدیث امام صادق (ع): «فی العرش تمثال جمیع ما خلق الله فی البرّ و البحر» را برای قول فصل و نهایی در انتهای تمام سخنان می‌آورد. (نوبت دوم: جعفر بن محمد (ع)، ۳۰۴/۵). این حدیث در بسیاری از کتب تفسیری از جمله المیزان نیز آمده است.^{۱۱}

«وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» (الإسراء، ۴۴/۱۷). امام جعفر صادق (ع) می‌فرمایند: «رسول الله (ص) مریض شدند، جبرئیل برای ایشان طبقی از انار و انگور آوردند، پیامبر (ص) از آن تناول کردند، انگور و و انار تسبیح گفتند. سپس حسن و

حسین(ع) وارد شدند و از آن تناول کردند، انگور و انار باز تسبیح گفتند».

میبدی در تفسیر این آیه روایات دیگران چون انس بن مالک را نیز نقل می کند. در روایت انس بن مالک تسبیح سنگریزه را در دست سه خلیفه بیان می کند. میبدی بی هیچ توضیحی در رد یا اثبات سخنان تنها به ذکر آنها بسنده کرده و از آن عبور نموده است. (نوبت دوم: جعفر بن محمد(ع)، ۵/ ۵۶۰).

«يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ» (الاسراء، ۷۱/۱۷). «یدعی کل قوم بامام زمانهم و کتاب ربهم و سنّة نبیهم» این حدیث را در کنار دیگر احادیث پیامبر(ص) نقل کرده است. (نوبت دوم: جعفر بن محمد: ۵، / ۵۹۰)

«طسم» (الشعراء، ۱/۲۶). جعفر گفت: «الطاء طوبی، و السین سدرۃ المنتهی، و المیم محمد المصطفی(ص)». (نوبت دوم: جعفر ۶/۸۳).

در بررسی های انجام شده این حدیث که میبدی با نام جعفر ذکر کرده است از امام جعفر صادق(ع) ذکر شده است. ۱۲

«وَإِذَا مَرَضْتُ فُهِوْ يَشْفِينِ» (الشعراء، ۸۰/۲۶). قال جعفر الصادق(ع): «إذا مرضت بالذنوب شفانی بالتوبة». (نوبت دوم: جعفر الصادق(ع)، ۷/۱۷).

برای تفسیر این آیه تنها به قول امام(ع) بسنده کرده است. در کتب شیعه نیز این حدیث آورده نشده است، اما در کتب اهل سنت از جمله البحر المحیط^{۱۳} البحر المدید^{۱۴} روح المعانی^{۱۵} و... گزارش شده است.

«فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ» (فاطر، ۳۵/۳۲). در تفسیر واژه ظالم، مقتصد و سابق، میبدی در کنار احادیث پیامبر(ص) حدیث امام صادق(ع) را نیز آورده است و می گوید: «السابق مقرب ناج و المقتصد معاتب ناج و الظالم معذب ناج» و پس از سخن حضرت، سخنان دیگری از مفسران یا راویان حدیث نقل می کند که همه در یک سیاق می باشند. (نوبت دوم: جعفر بن محمد، ۸/۱۸۷).

«قَوْلٌ لِلْقَاسِيَةِ فُلُوْبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (الزمر، ۲۲/۳۹). میبدی برای بیان معنای «القلب القاسی» و بیان عوامل ظهور آن تنها حدیثی از امام جعفر صادق(ع) و حدیثی از پیامبر(ص) نقل می کند.

«الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ» (غافر، ۴۰/۷). «ان بين القائمة من قوائم العرش و القائمة الثانية خفقان الطير المسرع ثلثين الف عام و العرش يكسى كل يوم سبعين الف لون من النور لا يستطيع ان ينظر اليه خلق من خلق الله و الاشياء كلها فى العرش كحلقة فى فلاة». (نوبت دوم: جعفر بن محمد، ۴۵۲/۸).

میبدی در تفسیر آیه، احادیثی از پیامبر (ص) درباره عرش و ملائکه ای که آن را حمل می نمایند آورده است. سپس با آوردن حدیثی از امام جعفر (ع) عظمت عرش را بیان می کند. این حدیث در کتب شیعی همچون «البرهان» نیز ذکر شده است. ۱۶

«وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ» (النجم، ۵۳/۱) میبدی در تفسیر آیه همان طور که از سخنان مفسران دیگر یا راویان حدیث حجت می آورد سخن امام صادق (ع) را نیز می آورد: «و النجم؛ یعنی: محمدا (ص)؛ إذا هوى أى نزل من السماء ليلة المعراج». مفسر هیچ یک از اقوال را رد یا تأیید نمی نماید.

«لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (الحديد، ۲۳/۵۷). «ای فرزند آدم، تو را چه می شود که بر از دست داده های خود تأسف می خوری که به تو باز نمی گردد و تو را چه می شود که خوشحال می شوی به چیزی که مرگ آن را در دست تو باقی نمی گذارد». (نوبت دوم: جعفر بن محمد، ۴۹۹/۹)

در ابتدا میبدی، خود به تفسیر این قسمت آیه و بیان معنای «تفرحوا و تأسوا» می پردازد. و در نهایت حدیث امام صادق (ع) را می آورد. (نوبت دوم: جعفر بن محمد، ۳۵۳/۹). این حدیث در تفاسیر دیگر نیز آورده شده است. ۱۷

«فَلَا أَسْمِ بِمَا تُبْصِرُونَ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ» (الحاقة، ۳۸/۶۹ و ۳۹). «بما تبصرون من صنعى فى ملكى و ما لا تبصرون من برى بأوليائى». حدیث حضرت را در کنار سخن دیگران آورده است و گرچه حدیث را تنها با نام جعفر آورده بود، اما در کتاب تفسیر الکشف و البیان از امام صادق (ع) نقل شده است. ۱۸ (نوبت دوم: جعفر، ۲۱۵/۱۰).

«إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (المزمل، ۵/۷۳). میبدی قول ثقیل را براساس روایات و سخنان دیگران، قرآن دانسته است و حضرت صادق (ع) نیز می فرماید: «بر کسی که تلاوت قرآن بر او سنگین است، عمل به آن نیز سنگین است». (نوبت دوم، جعفر، ۲۶۶/۱۰).

میبدی در تفسیر این آیه و ثقل قرآن احادیث گوناگون آورده است که هیچ یک را رد یا اثبات نمی کند، چرا که هر یک از وجوه مختلفی از ثقل را ارائه می دهند.

«وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (الانسان، ۲۱/۷۶). «یطهرهم به عن كل شيء سواه اذا لا طاهر من تدنّس بشيء من الاكوان». (نوبت دوم: جعفر، ۱۰/۳۲۶).

میبدی در تفسیر این آیه به این حدیث از امام صادق (ع) بسنده کرده است. در ذکر حدیث فقط نام جعفر را آورده است لیکن ورود این حدیث از امام جعفر صادق (ع) در کتب دیگر همچون مجمع البیان^{۱۹} آن را تأیید می نماید.

«وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (الضحى، ۵/۹۳). در این قسمت نیز چون آیه قبل تنها به ذکر حدیث امام صادق (ع) بسنده نموده است. (نوبت دوم: جعفر بن محمد، ۱۰/۵۲۴).

«أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى» (الضحى، ۶/۹۳). «سئل جعفر بن محمد الصادق (ع): لم أوتم النبى (ص) عن ابويه؟ قال: «لئلا يكون عليه حق لمخلوق». (نوبت دوم: جعفر بن محمد الصادق (ع)، ۱۰/۵۲۵).

سخن امام صادق (ع) در بیان دلیل یتیم شدن پیامبر (ص) جز در کشف الاسرار در کتب تفسیری دیگر نیز آمده است.^{۲۰}

«وَالِى رَبِّكَ فَارْعَبْ» (الشرح، ۸/۹۴). «اذکر ربک علی فراغک منک عن کل ما دونه». در تفسیر این آیه فقط همین حدیث را ذکر کرده و خودش به تفسیر آیه پرداخته است. (نوبت دوم: جعفر، ۱۰/۵۳۶). میبدی حدیث را با نام جعفر نقل کرده است که در کتاب حقائق التفسیر و الکشف و البیان نیز تنها با نام جعفر آورده اند^{۲۱} و در کتب دیگر مشاهده نشد.

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ» (الکوثر، ۱/۱۰۸). «الکوثر نور فی قلبک دلک علیّ و قطعک عمّا سواى». (نوبت دوم: جعفر الصادق (ع)، ۱۰/۶۳۷).

در تفسیر کلمه کوثر چند روایت از رسول خدا (ص) می آورد، سپس از انس و عبدالله بن عمر، ابوبکر بن عیاش و عکرمه سخنانی نیز می آورد، آنگاه برای فصل ختام سخن امام جعفر صادق (ص) را می آورد.

«اللَّهُ الصَّمَدُ» (الإخلاص، ۲/۱۱۲). «الصمد: خمسة أحرف، فألف دليل على أحديته، و اللام دليل على إلهيته و هما مدغمان لا يظهران على اللسان و يظهران فى الكتابة». (نوبت دوم: جعفر، ۱۰/۶۶۲).

این حدیث را میدی با نام جعفر آورده است، در کتاب‌های بسیاری از جمله «البرهان»^{۲۲} این حدیث از امام جعفر صادق (ع) آمده است.

أحاديث امام جعفر صادق (ع) در نوبت سوم

در نوبت سوم چند آیه که در نوبت اول آمده است از نظر عرفانی مورد بحث قرار گرفته است و در این قسمت به اشعار عربی و فارسی فراوانی بر می‌خوریم که تفسیر را از حالت یک نواختی بیرون می‌آورد و هنر نویسندگی و ذوق میدی و تأثر او از خواجه عبد الله انصاری را نشان می‌دهد و این قسمت را باید شاه‌کاری در تفسیر و نویسندگی و ذوقیات دانست. باید گفت همه آیات قرآنی در این قسمت مطرح نشده است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ» (المائدة، ۱/۵). در ذیل این آیه حدیث امام صادق (ع) را نقل می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: خداوند با چهار ویژگی امت را گرامی داشته است: ندا، کنایه، اشاره و شهادت «یا» برای ندا؛ «ها» برای تنبیه؛ «الذین» اسم اشاره و «آمنوا» شهادت است. با «یا» امت را گرامی داشته است و با «ها» رحمت خویش را رسانده، با «الذین» اشاره به محبت نموده و با «آمنوا» شهادت به معرفت داده است. (نوبت سوم: جعفر بن محمد (ع)، ۳/۲۱).

میدی که این حدیث را نوبت سوم تفسیر خویش از آیه یک مائده، آورده است با ذکر این حدیث در پی تفسیری عارفانه از آیه برآمده است. پس از ذکر حدیث امام صادق (ع) به بیان داستانی می‌پردازد که زیبایی لطف خدا که گرامی داشتن انسان با وجود خطاهای وی است را نمایان می‌سازد.

در پایان با الهام از سخن حضرت می‌گوید: خداوند بندگان را با ندا کرامت بخشید و آنگاه فرمان داد «أوفوا بالعقود»؛ به عهدتان وفا نمایید.

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (المائدة/۵)

۳.

میبدی در تفسیر خود در ذیل این آیه در حدیثی از امام صادق (ع) آورده است: «الیوم» اشارتست به آن روز که مصطفی (ص) را به خلق فرستادند و تاج رسالت بر فرق نبوت وی نهادند. (نوبت سوم: جعفر بن محمد (ع)، ۳/۲۶).

اما تا آنجا که بررسی نمودیم چنین حدیثی با این مضمون از امام صادق (ع) در کتب دیگر تفسیری مشاهده نشد؛ بلکه احادیث نقل شده از امام ششم (ع) در تفاسیر دیگر مربوط به نصب علی بن ابیطالب (ع) به امامت می باشد. میبدی چنین مضمونی را از عایشه و عمر خطاب نقل می کند که آنها نزول این آیه ۲۳ را روز عرفه حجة الوداع می دانند و به کامل شدن احکام و شرایع دین تفسیر می کنند. ۲۴

«قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً» (الانعام، ۱۹/۶)

شهادت خلق بر چهار رکن استوار است: ۱. پیروی امر ۲. دوری از آنچه نهی شده ۳. قناعت ۴. رضایت. میبدی برای تفسیر عرفانی این آیه حدیثی از امام صادق (ع) آورده است که مناسبت تام برای این قسمت دارد. در ادامه نیز بدون ذکر نام گوینده به نقل حدیثی پرداخته است. (نوبت سوم: جعفر بن محمد، ۳/۳۲۳).

«وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (الانعام، ۵۹/۶). الورقة. السقط و الحبة: الولد و ظلمات الارض: الارحام و الرطب ما يحيى و اليابس ما يغبض. میبدی در تفسیر آیه در ضمن روایاتی که از پیامبر (ص) و دیگران نقل می کند حدیث امام صادق (ع) را نیز می آورد. (نوبت سوم: جعفر بن محمد، ۳/۳۷۸).

«وَقَطَعْنَا لَهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَبِطًا أُمَّمًا» (الأعراف، ۱۶۰/۷). مفسر پس از بیان حدیثی زیبا از امام صادق (ع) به ذکر گوشه ای از دعای عارفانه، که گویی از خواجه عبدالله انصاری می باشد تفسیر خویش را جان می بخشد.

«وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ» (التوبة، ۱۴/۹). لبعضهم شفاء المعرفة و الصفاء، و لبعضهم شفاء التسليم و الرضا، و لبعضهم شفاء التوبة و الوفاء، و لبعضهم شفاء المشاهدة و

اللقاء . این حدیث در کتاب «حقائق التفسیر»^{۲۵} و «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن»^{۲۶} نیز آمده است . میبیدی در تفسیر این قسمت آیه فقط به ذکر این حدیث بسنده نموده است .
(نوبت سوم : جعفر بن محمد ، ۴ / ۱۰۷) .

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» (التوبة، ۹ / ۱۲۸) . در قسمت پایانی تفسیر خویش ؛ یعنی :
نوبت سوم ، میبیدی ، پس از بیان آنچه شایسته نوشتن دانسته است ، کلامی از حضرت صادق (ع) می آورد که گویی تمام آنچه در این نوبت از دیگران ذکر کرده است در این حدیث همه یک جا جمع اند . به این شیوه ، رویکرد اثباتی خویش را نسبت به امام صادق (ع) بیان می دارد (نوبت سوم : جعفر الصادق (ع) ، ۴ / ۲۴۵) . ؛ علاوه بر این امر ، حدیثی که میبیدی در تفسیر خویش از امام صادق (ع) بیان نموده است در کتاب های دیگر تفسیری همچون «حقائق التفسیر»^{۲۷} و «روح المعانی»^{۲۸} و کتاب هایی از فریقین که مجال نام بردن از آنها در این چند صفحه نیست ، نیز بیان شده است .

«وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا» (یوسف، ۱۲ / ۳۰) .
میبیدی آورده است : قول جعفر : الشغاف مثل العين اظلم قلبه عن التفكير فی غیره و الاشتغال بسواه . (نوبت سوم : جعفر ، ۵ / ۶۰) . این حدیث در تفاسیر دیگر بیان نشده است جز در کتاب حقائق التفسیر که او نیز با نام جعفر حدیث را آورده است .^{۲۹} از آنجا که تاریخ این تألیف در قرن چهارم می باشد ، احتمال بسیار می رود میبیدی این حدیث را از آنجا نقل کرده باشد . و احتمال دارد که منظور از جعفر همان امام صادق (ع) باشد ، زیرا احادیث دیگری که میبیدی با نام جعفر ذکر کرده بود در کتب دیگر از امام صادق (ع) بیان شده بود .

«كُلُّ أَجَلٍ كِتَابٌ» (الرعد، ۱۳ / ۳۸) . قال الجعفر الصادق (ع) : «لكل رؤية وقت» ، گرچه این حدیث از امام صادق (ع) در کتاب های دیگر مشاهده نشد . اما میبیدی برای این قسمت آیه تنها به ذکر سخن امام بسنده کرده است و در ادامه آن سخن حکیمانۀ این عطا را نیز که همسو با سخن امام است بیان کرده است . (نوبت سوم : جعفر الصادق (ع) ، ۵ / ۲۱۰) .

«يُنَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (ابراهیم، ۱۴ / ۲۷) . در تفسیر آیه ، به توصیف عارف و زندگی وی می پردازد و حدیثی از پیامبر (ص) درباره سوال و

پاسخ در قبر بیان می کند. در ادامه نیز درباره شأنیت نکیر و منکر حدیثی از امام صادق (ع) نقل می کند: سئل جعفر الصادق (ع): ما تقول فی منکر و نکیر؟ قال: «أنا يدخل منکر و نکیر قبر الکافر، فأما قبر المؤمن فأنا يدخله مبشر و بشیر». (نوبت سوم: جعفر الصادق (ع)، ۲۶۵/۵). این حدیث در تفاسیر شیعه نیز روایت شده است.

«وَأَجْتَنِبِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (ابراهیم، ۱۴/۳۵). جعفر صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمودند: «لا تردنی الی مشاهدة الخلة و لا ترد أولادی الی مشاهدة النبوة». (نوبت سوم: جعفر صادق (ع)، ۲۸۲/۵).

امام جعفر صادق (ع) در تفسیر این آیه می فرماید: «این آیه در تطهیر فرزندان حضرت ابراهیم از شرک و عبادت اصنام و هرگونه ضلالتی است و این جز نسبت به خاندان طاهر از بنی هاشم صدق نمی کند زیرا سایر بنی هاشم با سایر امت چندان تفاوتی ندارند». ۳۰ و احادیث بسیاری از ایشان در این مورد در ذیل این آیه در کتب شیعه نقل شده است اما میبیدی در نوبت سوم تفسیر خویش این حدیث را می آورد که در بین کتب تفسیری فقط در کتاب «حقائق التفسیر»^{۳۱} و «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»^{۳۲} مشاهده شده است. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه، ۲۰/۱۲۴). میبیدی در تفسیر این آیه تنها حدیث حضرت را روایت نموده، سپس خویش به تفسیر سخن حضرت پرداخته است. (نوبت سوم: جعفر الصادق (ع)، ۲۰۰/۶).

«وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ» (الفرقان، ۲۵/۲۰). در تفسیر عرفانی آیه به حدیث امام بسنده کرده و در نگارش خود از حدیث پیامبر (ص): «أنا بشر مثلكم»، بهره جسته و به شرح پرداخته است. (نوبت سوم: جعفر بن محمد (ع)، ۷/۳۸).

«أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» (الإسراء، ۱/۱۷).

لما قرب الحبيب من الحبيب بغاية القرب نالته غاية الهيبة. فلاطفه الحق بغاية اللطف لأنه لا تحمل غاية الهيبة الا غاية اللطف، (نوبت سوم: جعفر الصادق (ع)، ۵، ۵۰۳) این حدیث در دو کتاب «حقائق التفسیر»^{۳۳} و «روح المعانی»^{۳۴} نیز آمده است اما در کتب تفسیری دیگر مشاهده نشد.

«وَقُلْ رَبِّ ادْخُلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا» (الإسراء، ۱۷ / ۸۰). میبیدی در تفسیر این آیه تنها حدیث حضرت راروایت نموده، سپس خویش به تفسیر سخن حضرت پرداخته است. (نوبت سوم: جعفر بن محمد (ع): ۵ / ۶۲۵).

نتیجه

۱. میبیدی در تفسیر خویش درباره سخنانی که آورده است چه از امام صادق (ع) و چه از دیگران - اظهار نظر نمی کند؛ بلکه وی تنها به نقل قول بسنده می کند؛ او در بیان احادیث امام جعفر صادق (ع) نیز همین شیوه را در پیش می گیرد.
۲. هرچند او از اهل سنت می باشد لیکن آنجا که سخن حضرت با دیگران همسو نمی باشد یا سخن نمی گوید و از خویش نظر نمی دهد یا حتی سخن حضرت را فصل ختام قرار می دهد که این روش، دیدگاه مثبت میبیدی به آراء اهل بیت (ع) را نشان می دهد.
۳. برخی از احادیثی که میبیدی از امام صادق (ع) نقل کرده است، در کتب حدیثی شیعه عیناً تکرار نشده بلکه تنها در کتاب حقائق التفسیر که تفسیری از قرن چهارم است آمده است.

۱. كشف الأسرار وعدة الأبرار، ۸۵/۶.
۲. این کمال بی انصافی و یک جنون پژوهشی است که پیروان امیرالمؤمنین (ع) را در ردیف خوارج ملحد قرار دهند و آنان فرقه ناجیه اند. میبیدی اولی به این تقارب با خوارج است.
۳. تئورسین و پایه گذار مرجئه خود أبوحنیفه و دیگر عالمان درباری أموی و عباسی بوده اند. «نک: مرجئه، رسول جعفریان».
۴. كشف الأسرار وعدة الأبرار، ۲۳۲/۲.
۵. مفسرین عامه، سخنان صحابه و تابعین حتی نظرات شخصی تابعین تابعین نسل سومی ها را هم به منزله
- حدیث رسول خدا (ص) تلقی کرده اند که به لحاظ جایز الخطا بودن آنها از نظر قرآن و سنت قطعی رسول خدا، پذیرفتنی نمی باشد.
۶. البرهان فی تفسیر القرآن، ۳۹۰/۲؛ ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن «حسینی»، ۸۹/۲.
۷. جوامع الجامع، ۲۳/۱؛ زیادة التفاسیر، ۶۱۲/۱.
۸. انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ۲۸۱/۱۰.
۹. كشف الأسرار وعدة الأبرار، ۳/۹۴ و ۹۵.
۱۰. ر. ک. أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۳۴۲/۴؛ تفسیر إثناعشری، ۶۹/۳.
۱۱. المیزان، ۱۷۰/۸.

۱۲. روح البیان، ۶/۲۵۶؛ الجامع لأحكام القرآن، ۱۴/ ۸۹.
۱۳. البحر المحيط، ۸/۱۶۵.
۱۴. البحر المدید، ۴/۱۴۳.
۱۵. روح المعانی، ۱۰/۹۶.
۱۶. البرهان فی تفسیر القرآن، ۸/۱۷۰.
۱۷. ر. ک. تفسیر اثناعشری، ۱۳/۴۳؛ تفسیر المظهری، ۲۰۱/۹؛ زبدة التفاسیر، ۹/۱۸۵.
۱۸. الكشف و البیان، ۱۰/۳۲.
۱۹. مجمع البیان، ۱۰/۶۲۳.
۲۰. الكشف و البیان، ۱۰/۲۲۵؛ البحر المحيط، ۱۰/ ۴۹۷.
۲۱. الكشف و البیان، ۱۰/۲۳۷؛ حقایق التفسیر، ۶۳/ ۲۱. تفسیر البرهان، ۵/۸۰۴.
۲۳. نزول این آیه در هجدهم ذی الحجة در سرزمین غدیر
- بوده و تنها کسی که فرویش آیه را عرفه و جمعه گزارش کرده، عمر بن خطاب است که برای انحراف ذهن مردم از غدیر بوده است. ر. ک. آیات غدیر «علی کورانی».
۲۴. كشف الأسرار و عدة الأبرار، ۳/۱۷-۱۸.
۲۵. حقائق التفسیر، ۳۳/ ۲۶. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱۴/۱۱۳.
۲۷. حقائق التفسیر، ۳۲/ ۲۸. روح المعانی، ۶/۵۴.
۲۹. حقائق التفسیر، ۳۴/ ۳۰. أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۲/۱۹۷؛ تفسیر جامع، ۲۶۵/۱.
۳۱. حقائق التفسیر، ۳۷/ ۳۲. روح المعانی، ۷/۲۴۳.
۳۳. حقائق التفسیر، ۳۳/ ۳۴. روح المعانی، ۱۴/۵۴.

